



## حاکمیت ریسک و عملکرد: مطالعه بانک‌های بورسی ایران

سید محسن مشیر<sup>۱\*</sup>

قربان اسکندری<sup>۲</sup>

سید کاظم چاوشی<sup>۳</sup>

### چکیده

مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های یازده بانک بورسی طی دوره ۱۳۹۷-۱۴۰۱ و مدل پانل دیتا (داده‌های ترکیبی) به بررسی رابطه بین حاکمیت ریسک و عملکرد بانک‌های بورسی در ایران پرداخته است. برای ارزیابی حاکمیت ریسک از شاخص‌های مرتبط با سازکار حاکمیت ریسک (هیئت‌مدیره، کمیته ریسک و مدیر ارشد ریسک) و برای سنجش عملکرد از نسبت‌های بازده متوسط دارایی‌ها و بازده تعدیل‌شده به ریسک متوسط دارایی‌ها استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اگر چه بین متغیرهای سازکار هیئت‌مدیره (استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره) و عملکرد، رابطه مثبت وجود دارد ولی رابطه مذکور به لحاظ آماری معنادار برآورد نشده است. درخصوص سازکار مدیر ارشد ریسک نیز تمامی متغیرهای سازکار مذکور (استقلال مدیر ارشد ریسک، نظارت مدیر ارشد ریسک، جایگاه مدیر ارشد ریسک و جبران خدمات مدیر ارشد ریسک) با عملکرد رابطه مثبت داشتند ولی رابطه مذکور فقط درخصوص متغیرهای نظارت مدیر ارشد ریسک و جبران خدمات مدیر ارشد ریسک، معنادار ارزیابی شد. پیرامون سازکار کمیته ریسک نیز، بین دو متغیر تعداد جلسات کمیته ریسک و تعداد مصوبات کمیته ریسک و عملکرد بانک رابطه آماری معنادار مثبت وجود داشته ولی این رابطه برای دو متغیر اندازه کمیته ریسک و استقلال کمیته ریسک منفی بوده و رابطه مذکور تنها درخصوص متغیر اندازه کمیته ریسک معنادار برآورد شد. پژوهش حاضر، بینشی درخصوص سازکارها و متغیرهای حاکمیت ریسک که بر عملکرد بانک‌های بورسی مؤثر می‌باشند، ایجاد می‌نماید. این بینش می‌تواند برای مدیران ریسک، مدیران بانک‌ها، مقامات نظارتی، سیاست‌گذاران و محققان آتی حوزه حاکمیت ریسک از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد.

**واژه‌های کلیدی:** حاکمیت ریسک، عملکرد، داده‌های ترکیبی، بانک‌های بورسی.

طبقه‌بندی JEL: G10، G32 و C23.

---

۱. دانشجوی دکتری، مؤسسه عالی بانکداری ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ mohsenmoshir@gmail.com  
۲. دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ ghorbaneskandari@gmail.com  
۳. استادیار، گروه آموزشی مدیریت بانک، بیمه و گمرک، دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ chavoshi54@yahoo.com

## مقدمه

حاکمیت ریسک در بانک‌ها پس از شناسایی نقاط ضعفی که در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ منجر به وقوع زیان‌های قابل توجه شدند، مورد توجه مقامات مالی و نهادهای نظارتی بین‌المللی قرار گرفت (ارین و آسیریووا، ۲۰۱۸). حاکمیت ریسک برای اولین بار از طریق شورای بین‌المللی حاکمیت ریسک<sup>۲</sup> در ژوئن ۲۰۰۳ در ژنو مطرح شد. شورای بین‌المللی حاکمیت ریسک بنیادی مستقل است که با هدف ایفای نقش "تسهیل‌گر" برای طراحی و اجرای استراتژی‌های حاکمیت ریسک مؤثر ایجاد شده است (ارین و آریبابا، ۲۰۲۱).

شورای بین‌المللی حاکمیت ریسک، چارچوب حاکمیت ریسک را برای مقابله با شکست‌ها به‌ویژه در مؤسسات مالی معرفی کرده و توسعه داده است. این چارچوب به‌عنوان گامی برای حرکت از سمت شیوه‌های متعارف مدیریت ریسک (مبتنی بر سیلو)<sup>۴</sup> به سمت رویکردی یکپارچه، مورد توجه و تقدیر متخصصین حوزه ریسک قرار گرفته است (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹).

هیئت ثبات مالی<sup>۶</sup> نیز شوک‌های ناشی از شکست بازارهای مالی در دهه گذشته را در ارتباط با ضعف در عملکرد مدیریت ریسک دانسته است؛ شکست‌هایی که به‌طور قابل‌توجهی در شیوه‌های حاکمیتی منعکس گردیده است. چنین شکست‌هایی ناشی از عواملی همچون<sup>۱</sup> "پیاده‌سازی مدیریت ریسک در سطح محصولات و یا بخش‌ها و نه در سطح کل سازمان"،<sup>۲</sup> "عدم انتقال فوری پرچم‌های قرمز (عدم هشدار به‌موقع در هنگام بروز تهدید) به‌دلیل جایگاه نامناسب مدیران ریسک در ساختار سازمانی بانک‌ها (که این موضوع نشان‌دهنده این است که مدیران ریسک به‌عنوان عوامل بازدارنده در نظر گرفته می‌شدند تا دیده‌بان‌های امنیتی کارآمد)"<sup>۳</sup> و "نیاز به تعداد بیشتری از مدیران مستقل در هیئت‌مدیره و کمیته‌های اصلی آن به‌دلایلی همچون: الف. عدم آگاهی مناسب اعضای هیئت‌مدیره از ریسک‌های مالی؛ ب. تمرکز بیش از حد برای رسیدن به آستانه‌های نظارتی سرمایه؛ پ. و تلاش برای افزایش نامعقول نرخ‌های بازده مورد انتظار سهام‌داران"؛ معرفی شده است (هیئت ثبات مالی، ۲۰۱۳).

1. Erin & Asiriwa

2. International Risk Governance Council

3. Erin & Aribaba

4. Silo approach: each department or team focuses solely on the risks relevant to their specific function without considering the overall impact on the organization.

5. Gordon et al

6. Financial Stability Board: The Financial Stability Board (FSB) is an international body that monitors and makes recommendations about the global financial system.

حاکمیت ریسک زیرمجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات حاکمیت شرکتی است که مدیریت ریسک‌ها را به‌نحوی مؤثر تضمین می‌نماید. دلیل اصلی مشکلات گسترده حوزه سیاست‌گذاری، عدم نظارت هیئت‌مدیره بر ریسک‌هایی است که شرکت با آن مواجه می‌باشد. پس از بحران مالی جهانی، سیاست‌گذاران و ناظران بر بهبود حاکمیت ریسک و مدیریت مؤثر ریسک در بانک‌ها تأکید داشتند (لوندکوویست<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). چارچوب حاکمیت ریسک مشتمل بر وجود یک کمیته ریسک و حضور یک مدیر ارشد ریسک می‌باشد که بر تمام ریسک‌هایی که سازمان با آن مواجه است نظارت می‌کند (ایبی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

شرایط نامساعد سودآوری و وجود چالش در ادامه فعالیت تعدادی از بانک‌های کشور، حاکی از فضای نه‌چندان مساعد صنعت بانکداری کشور می‌باشد. براساس صورت‌های مالی منتشر شده بانک‌ها در سال ۱۴۰۱ حدود نیمی از بانک‌های کشور دارای زیان انباشته بوده‌اند؛ زیان انباشته ۸ بانک بیشتر از نیمی از سرمایه ثابتی آن‌ها بوده که مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت گردیده و تداوم فعالیت آن‌ها با چالش مواجه شده است. در مقطع مذکور ۱۰ بانک دارای سرمایه نظارتی منفی و تنها ۷ بانک کشور نسبت کفایت سرمایه بالای ۸ درصد داشته‌اند. شرایط بحرانی تعدادی از بانک‌های کشور منجر به اتخاذ تصمیماتی توسط مراجع نظارتی از جمله ادغام بانک‌ها در طی سال‌های گذشته شده که آخرین مورد آن مربوط به ادغام پنج بانک و مؤسسه اعتباری در بانک سپه بوده است. علی‌رغم اهمیت قابل توجه موضوع حاکمیت ریسک در بانک‌ها، براساس بررسی‌های به‌عمل آمده توسط محقق، تاکنون مطالعه و تحقیق مدونی درخصوص حاکمیت ریسک در کشور انجام نشده است. از این‌رو در تحقیق حاضر تلاش شده است تا با بررسی رابطه "بین متغیرهای حاکمیت ریسک و متغیرهای عملکردی بانک‌های بورسی کشور" افزون بر ارتقای دانش نوپای حاکمیت ریسک در کشور و کمک به تقویت ادبیات موجود، اثر سازکارهای حاکمیت ریسک بر عملکرد بانک‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ساختارهای حاکمیتی و سازکارهای مربوط به مدیریت ریسک، از اهمیت بالایی برای بانک‌ها و ناظران برخوردار است. از آنجاکه نقاط ضعف در شیوه‌های مدیریت ریسک به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در بحران‌های مالی شناسایی شده است، نهادهای بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۳</sup>،

1. Lundqvist

2. Aebi et al

3. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

شورای بین‌المللی حاکمیت ریسک<sup>۱</sup>، کمیته نظارت بر بانکداری بازل<sup>۲</sup> و هیئت ثبات مالی طی گزارشات و دستورالعمل‌های متعدد بر نقش حاکمیت ریسک تأکید داشته‌اند (ارین و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). اقدامات توصیه شده کمیته بازل برای تقویت حاکمیت ریسک و عملکرد بانک‌ها عبارت است از: تقویت نظارت مؤثر هیئت‌مدیره، مدیریت مؤثر ریسک‌ها، ایجاد کنترل‌های داخلی قوی، ایجاد کمیته ریسک مستقل، ایجاد و ارتقای نقش مدیر ارشد ریسک و همراستا نمودن کمیته‌های حسابرسی و ریسک (کمیته بازل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴).

هیئت ثبات مالی، بیش از هر چیز، مسئولیت بانک‌ها را شناسایی و مدیریت ریسک‌ها می‌داند و مسئولیت ناظران را ارزیابی این موضوع می‌داند که آیا چارچوب‌ها و فرآیندهای حاکمیت ریسک، کافی، مناسب و مؤثر می‌باشند (هیئت ثبات مالی، ۲۰۱۳).

حاکمیت ریسک به‌عنوان دستاوردی بزرگ در جهت کاهش بحران‌های اقتصادی و بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری عمل نموده (دباری<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵) و چارچوب حاکمیت ریسک، به‌عنوان گامی اساسی در جهت ایجاد آینده‌ای پایدار برای ذینفعان مطرح است (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹؛ پاگچ و وار<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ کوئن و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲؛ کاکاندا و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷).

حاکمیت ریسک صحیح لزوماً به‌معنای پذیرش ریسک کمتر نیست، زیرا سازکارهای حاکمیت ریسک مؤثر ممکن است تصمیم‌گیرندگان را تشویق کنند تا ریسک‌های بیشتری را برای به حداکثر رساندن سود انجام دهند (استولز<sup>۹</sup>، ۲۰۱۶). با وجود این هر چه ریسک بالاتر باشد، سازکارهای حاکمیت ریسک بیشتری مورد نیاز است (چوارین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰؛ ارین و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، حاکمیت ریسک خوب باید اطمینان حاصل کند که بانک‌ها سطح بهینه ریسک را در راستای حداکثرسازی ارزش سهام‌داران انتخاب می‌کنند.

هدف اصلی حاکمیت ریسک، به‌حداکثر رساندن ارزش سهام‌داران و افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری برای استفاده‌کنندگان مختلف اطلاعات مالی است (کوئن و همکاران، ۲۰۱۲). عبید و

1. International Risk Governance Council
2. Basel Committee on Banking Supervision
3. Erin et al
4. BCBS
5. Dabari
6. Pagach & Warr
7. Quen et al
8. Kakanda et al
9. Stulz
10. Chavarín

همکاران (۲۰۲۱) و نگوین<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) شواهدی ارائه می‌دهند که حاکمیت ریسک نقش مهمی در کنترل ریسک بانک‌ها ایفا می‌کند. حاکمیت ریسک می‌تواند فعالیت ریسک‌پذیری بانک‌ها را محدود کرده و از وقوع ریسک جلوگیری کند (بای و الیاسیانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ نگوین، ۲۰۲۲؛ پاتان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ سان و لیو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴)

براساس تئوری نمایندگی<sup>۵</sup>، حاکمیت ریسک با کمک به نظارت، انضباط و حذف اعضای ناکارآمد تیم مدیریت، به دنبال حصول اطمینان از این موضوع است که مدیران منافع سهام‌داران را ارتقاء می‌دهند (ناسیور و کندیل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹).

مطابق یافته‌های کارلون و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) مزایای حاکمیت ریسک برای سرمایه‌گذاران بسیار قابل توجه می‌باشد؛ به این ترتیب که قرار گرفتن سازمان در معرض تقلب را کاهش داده، ساختار حاکمیتی را تقویت نموده و بستری مناسب‌تر برای بهبود ارزش شرکت فراهم می‌کند. نتایج حاصل از بررسی‌های ارین و آریبا (۲۰۲۱) نیز حاکی از آن است که متغیرهای حاکمیت ریسک تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش شرکت دارند.

حاکمیت ریسک به تنظیم ریسک فزاینده بانک‌ها کمک نموده و امکان ایجاد سرمایه‌گذاری دارایی‌ها را به روش‌های سودآورتر و با ریسک پایین‌تر در راستای بهبود عملکرد بانک فراهم می‌سازد (کاریانی و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸).

هدف اصلی سازکارهای حاکمیت ریسک نظارت بر رفتار ریسک‌پذیری مدیران بوده و براساس نتایج حاصل از مطالعات انجام شده، سازکارهای حاکمیت ریسک ممکن است به‌طور مثبت یا منفی با عملکرد بانک مرتبط باشند. باین‌حال، این دوگانه پس از بحران مالی به دلایل متعددی افزایش یافته است. مؤسسات مالی در دوره بحران به دلیل ریسک‌پذیری بالا متحمل زیان‌های قابل توجهی شدند. بنابراین، از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پرریسک اجتناب می‌نمایند. همچنین، سرمایه‌گذاران ممکن است از تأمین مالی پروژه‌های پرریسک حتی با وجود بازدهی بالاتر به‌منظور جلوگیری از عواقب مشابه،

1. Nguyen

2. Bai & Elyasiani

3. Pathan

4. Sun & Liu

5. Agency theory explains the relationship between agents and principals

6. Naceur & Kandil

7. Carlon et al

8. Karyani et al

خودداری کنند. در واقع پس از بحران مالی ۲۰۰۷، کیفیت سازکارهای حاکمیت ریسک به‌طور قابل توجهی بهبود یافته است (عبید و همکاران، ۲۰۲۱).

در پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده پیرامون حوزه حاکمیت ریسک، از کمیته ریسک و مدیر ارشد ریسک به‌عنوان سازکارهای اصلی حاکمیت ریسک یاد شده است. سازکارهای مذکور مسئولیت تدوین استراتژی‌ها، اجرا و نظارت بر مدیریت ریسک را بر عهده دارند (ایبی و همکاران، ۲۰۱۲؛ عبید و همکاران، ۲۰۲۱؛ الجوغیمان و سلامه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹؛ باتاگلیا و گالو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ هاینز و پیترز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). همچنین در شماری از تحقیقات، هیئت‌مدیره به‌واسطه مسئولیت‌هایی که در امر مدیریت و نظارت بر ریسک‌های بانک دارد، به‌عنوان سازکاری برای حاکمیت ریسک مورد توجه قرار گرفته است (میرین و کاریانی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷؛ شیوانی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸؛ ارین و همکاران، ۲۰۱۸؛ اگنس و کاپوانو<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰؛ و ارین و آریبابا، ۲۰۲۱).

#### هیئت‌مدیره

یکی از مسئولیت‌های دیرین هیئت‌مدیره، نظارت مؤثر بر ریسک است (فلیشر و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۹۸۸؛ می‌سی و اوهارا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶)؛ و حاکمیت ریسک جزء کلیدی‌ترین فعالیت‌های نظارتی هیئت‌مدیره می‌باشد (بازل، ۲۰۱۵؛ ایلول<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵). هیئت‌مدیره از طریق کمیته‌های خود بر فرآیند مدیریت ریسک و گزارش و افشای آن نظارت می‌کند (کاکاندا و همکاران، ۲۰۱۷).

اصولاً بدون حمایت و مشارکت مستقیم هیئت‌مدیره، پیاده‌سازی مؤثر مدیریت ریسک امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو هیئت‌مدیره را مسئول حاکمیت ریسک در بانک می‌دانند (الجنادی و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳؛ کاکاندا و همکاران، ۲۰۱۷). هیئت‌مدیره باید فرصت‌هایی که سازمان را قادر به پیشرفت بیشتر کرده شناسایی و ریسک‌هایی را که ممکن است بر عملکرد سازمان تأثیر بگذارند، کاهش دهد (نوکو و

1. Aljughaiman & Salama
2. Battaglia & Gallo
3. Hines & Peters
4. Meirine & Karyani
5. Shivaani
6. Agnese & Capuano
7. Fleischer et al
8. Macey & O'Hara
9. Ellul
10. Al -Janadi et al

استولز<sup>۱</sup>، (۲۰۰۶). در طول بحران‌های مالی، هیئت‌مدیره برخی از بانک‌ها به‌خاطر به‌کارگیری شیوه‌های ناکارآمد در مدیریت ریسک، مقصر شناخته شدند (اینگلی و والت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸).

### – استقلال هیئت‌مدیره

استقلال یکی از ویژگی‌های بااهمیت هیئت‌مدیره است که تعارضات نمایندگی بین مدیریت و سهام‌داران را کاهش داده و منجر به اخذ تصمیمات کارآمد، بی‌طرفانه و بهبود اعمال نظارت می‌شود (اندرسون و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

روندهای اخیر حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک باعث شده شرکت‌ها برای افزایش عملکرد هیئت‌مدیره، تعداد مدیران مستقل و تنوع ایشان را به‌لحاظ تخصص افزایش دهند (ناکانو و نگوین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

براساس تحقیقات انجام شده توسط ارین و همکاران (۲۰۱۸)، کاوزالی و گاردنال<sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، فرانسیس و آزبورن<sup>۶</sup> (۲۰۱۲)، مک نایت و میرا<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) و فاما و جنسن<sup>۸</sup> (۱۹۸۳) بین استقلال هیئت‌مدیره و عملکرد بانک‌ها رابطه مثبت وجود داشته و نتایج بررسی انجام شده توسط آدو و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۲۱) حاکی از آن است که استقلال هیئت‌مدیره به‌طور قابل توجهی افت حاشیه‌ای مورد انتظار بلندمدت<sup>۱۰</sup> را در میان بانک‌های بزرگ اروپایی کاهش داده است. بااین‌حال نتایج بعضی از بررسی‌های صورت پذیرفته در این خصوص، رابطه مذکور را تأیید نمی‌کنند؛ به‌عنوان مثال در تحقیق انجام شده توسط گرو و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۱) و آدامز و مهران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۲) رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و عملکرد معنادار ارزیابی نشد و عمران و احمد<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۰) و نگیمفک و وامبا<sup>۱۴</sup> (۲۰۲۲) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که استقلال هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت تأثیر منفی دارد.

1. Nocco & Stulz
2. Ingley & Walt
3. Anderson et al
4. Nakano & Nguyen
5. Cavezzali & Garddenal
6. Francis & Osborne
7. McKnight and Mira
8. Fama & Jensen
9. Addo et al
10. Long-run expected marginal short-fall
11. Grove et al
12. Adams & Mehran
13. Amran & Ahmad
14. Ngumfack & Wamba

### – اندازه هیئت‌مدیره

در ادبیات موجود روی این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که شرکت‌های پیچیده و بزرگ به دلیل نیاز به نظارت و مشاوره سطح بالا، می‌بایست از هیئت‌مدیره بزرگتر برخوردار باشند. دلیل این امر آن است که به دلیل ماهیت خاص فعالیت‌های بانکی، هیئت‌مدیره با تعداد اعضای کم، ممکن است در اعمال نظارت کامل بر فعالیت و عملکرد مدیران با مشکل مواجه شوند. سان و لیو (۲۰۱۴)، در پژوهشی که در این خصوص انجام دادند به این نتیجه رسیدند که هیئت‌مدیره بزرگ با تعداد اعضای مستقل بیشتر، می‌تواند میزان ریسک‌پذیری بانک را محدود کند. نتایج تحقیقات انجام شده توسط و نگوین و هوین<sup>۱</sup> (۲۰۲۳)، نگیمفک و وامبا (۲۰۲۲)، آفریفا و تائورینگانا<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، آدامز و مهران (۲۰۱۲)، لارمو و وافاس<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، خانچل<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) نیز حاکی از آن است که اندازه هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت دارای اثر مثبت است. از طرفی فلوراکیس و اوزکان<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که هیئت‌مدیره‌هایی که دارای هفت یا هشت عضو می‌باشند، تمایل به بی‌اثر بودن دارند. آن‌ها بیان می‌کنند هیئت‌مدیره‌های بزرگ نمی‌توانند به خوبی هماهنگ شوند، ارتباطات ضعیفی داشته و در تصمیم‌گیری کندتر عمل نموده و بیشتر تحت کنترل مدیرعامل هستند. یوشیکاوا و فان<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) نیز بیان نمودند که هیئت‌مدیره بزرگ تمایل به عدم وحدت دارد و از نظر هماهنگی با چالش‌هایی روبه‌رو بوده که این امر باعث ایجاد درگیری بین اعضاء می‌شود. افزون بر این، مدیران عامل معمولاً هیئت‌مدیره‌های بزرگ را ترجیح می‌دهند؛ به این دلیل که این موضوع اگر چه به نظر می‌رسد قدرت اعضای هیئت‌مدیره را افزایش می‌دهد ولی اقبال اقدام هماهنگ هیئت‌مدیره را به حداقل رسانده و در نتیجه مدیر عامل به‌عنوان نفر اصلی باقی می‌ماند. هیئت‌مدیره‌های کوچک نقش کارآمدتری در کنترل مدیران ایفا می‌کنند، زیرا با مشکلات ارتباطی کمتری مواجه می‌شوند و به راحتی فعالیت‌ها و بوروکراسی خود را هماهنگ می‌کنند و مشکلات سواری مجانی<sup>۷</sup> کمتری را نسبت به هیئت‌مدیره‌های بزرگتر تجربه می‌کنند (احمد و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶). نتایج بررسی انجام شده توسط ارکنس و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۲) حاکی از آن است که شرکت‌های مالی با تعداد

1. Nguyen & Huynh

2. Afrifa & Tauringana

3. Larmou & Vafeas

4. Khanchel

5. Florackis & Ozkan

6. Yoshikawa & Phan

7. The free rider problem is an economic concept of a market failure that occurs when people are benefiting from resources, goods, or services that they do not pay for

8. Ahmed et al

9. Erkens et al

بیشتر اعضای هیئت مدیره مستقل، بازده سهام بدتری را در طول بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ تجربه کرده‌اند.

### کمیته مدیریت ریسک

بانک‌ها در طول فعالیت خود در معرض انواع مختلفی از ریسک‌ها (از قبیل ریسک اعتباری، عملیاتی، ورشکستگی و نقدینگی) قرار دارند. عواملی مانند سطوح اهرمی بالا و شکاف قابل توجه بین حجم و سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها باعث می‌شوند وضعیت بانک‌ها نسبت به شرکت‌های غیرمالی پیچیده و مبهم‌تر شود (سریواستاوا و هاگندورف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). لذا به دلیل وجود ریسک‌های مختلف و پیچیدگی‌های بیشتر در فعالیت بانک‌ها، وجود کمیته ریسک در بخش بانکداری رایج‌تر از سایر بخش‌ها بوده است (آندرس و والادو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). مؤسسه کی‌پی‌ام‌جی، کمیته ریسک را محرک اصلی چارچوب حاکمیت ریسک می‌داند (کی‌پی‌ام‌جی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵) و مؤسسه پی‌دابلیوسی نیز کمیته ریسک را یک رویکرد عالی برای افزایش نظارت هیئت مدیره بر ریسک معرفی می‌نماید (پی‌دابلیوسی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷).

دلیل اصلی بحران‌ها، استراتژی ریسک‌پذیری بیش از حدی می‌باشد که توسط مؤسسات مالی خاص اتخاذ شده است (آدو و همکاران، ۲۰۲۱). لذا سازکارهای حاکمیت ریسک برای کاهش ریسک‌های ذاتی بانک‌ها مورد نیاز می‌باشند. کمیته ریسک به‌عنوان یکی از سازکارهای حاکمیت ریسک از تجمیع و تکرار ریسک‌ها جلوگیری نموده و از طریق تمرکز استراتژیک، سپری دفاعی در برابر ریسک‌ها ایجاد می‌کند؛ همچنین کمیته ریسک کیفیت اطلاعات و شفافیت را بهبود بخشیده و اطمینانی برای مدیریت ریسک مؤثر و کاهش ریسک‌های بانک فراهم می‌نماید (فارل و گالاگر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵؛ مک شین و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱).

کمیته ریسک مسئول ارائه توصیه‌های لازم در خصوص استراتژی‌های ریسک و همچنین نظارت بر اجرای چارچوب مدیریت ریسک است. نتایج برخی از مطالعات انجام شده در حوزه حاکمیت ریسک حاکی از آن است که وجود کمیته ریسک می‌تواند ریسک بانک را کاهش دهد (الجوغیمان و سلامه، ۲۰۱۹؛ بهویان و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰).

1. Srivastav & Hagendorff
2. Andres & Vallelado
3. KPMG
4. PricewaterhouseCoopers (PwC)
5. Farrell & Gallagher
6. McShane et al
7. Bhuiyan et al

### – استقلال کمیته مدیریت ریسک

پس از بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های کمیته ریسک افزایش یافت. مراجع نظارتی بانک‌ها را تحت فشار قرار دادند تا در ساختار خود کمیته ریسک مستقلی را که مسئولیت نظارت بر ریسک‌ها را برعهده دارد، ایجاد نمایند. کمیته ریسک، یک کمیته فرعی هیئت‌مدیره است که اعضای آن کاملاً در مدیریت ریسک‌ها تخصص دارند. مسئولیت اصلی کمیته، ارائه مشاوره به هیئت‌مدیره در مورد تلورانس<sup>۱</sup>، اشتها<sup>۲</sup> و سیاست‌های ریسک است. افزون‌بر این، کمیته ریسک بر به‌کارگیری استراتژی‌های ریسک توسط مدیران ارشد نظارت نموده و در این خصوص گزارشات لازم را به هیئت‌مدیره یا مدیر عامل ارائه نموده و مستقیماً با اداره مدیریت ریسک در ارتباط است (بازل، ۲۰۱۵). براساس رهنمودهای بازل و انجمن ثبات مالی، استقلال کمیته ریسک برای انجام اثربخش فعالیت‌های مدیریت ریسک بسیار ضروری می‌باشد و مدیران مستقل در کمیته‌های ریسک در موقعیت بهتری برای به چالش کشیدن مدیران اجرایی قرار دارند (یه و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱).

نتایج حاصل از تحقیق انجام شده توسط ارین و آریابا (۲۰۲۱) بر مؤسسات مالی نیجریه نشان داد که بین استقلال کمیته ریسک و ارزش شرکت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ارین و همکاران (۲۰۲۰) نیز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که استقلال کمیته ریسک تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی (بازده دارایی) شرکت‌ها داشته است. با این وجود در پژوهش‌های انجام شده توسط فلا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) و الامر و بنیازید<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) ارتباط معناداری بین استقلال کمیته مدیریت ریسک و عملکرد شناسایی نشد.

### – فعالیت کمیته مدیریت ریسک

توانایی هیئت‌مدیره بانک‌ها در امر نظارت بر مدیریت ریسک از طریق ارزیابی متغیرهایی از قبیل کیفیت فعالیت انجام‌شده توسط کمیته ریسک صورت می‌پذیرد (اگنس و کاپوانو، ۲۰۲۰). مؤسسه کی‌پی‌ام‌جی، وجود کمیته مدیریت ریسک فعال را برای تقویت حاکمیت ریسک ضروری می‌داند (کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۱۶).

1. Risk tolerance
2. Risk appetite
3. Yeh et al
4. Fali et al
5. Elamer & Benyazid

جلسات بیشتر کمیته ریسک، فرصتی برای بحث و تبادل نظر در مورد ایده‌های نظارتی، استراتژی‌های کاهش ریسک و سیاست‌های مدیریت ریسک سازمانی ایجاد می‌نماید. بنابراین، تعداد جلسات کمیته ریسک ممکن است به‌عنوان نماینده‌ای از پاسخ به‌موقع و هوشیاری کمیته ریسک تلقی شود (عبید و همکاران، ۲۰۲۱). باتاگلیا و گالو (۲۰۱۵) در تحقیقات خود رابطه‌ای مثبت بین تعداد جلسات کمیته ریسک و عملکرد شناسایی کردند و جلسات مکرر کمیته ریسک را سازگاری برای ارتباطات مؤثر، کنترلی قوی، مشورتی عمیق و نظارتی مقتدر معرفی نمودند.

فشارهای ناظران و افزایش میزان فعالیت‌های نظارت، باعث شده در شرایطی که مدیران در انجام وظیفه نظارتی خود موفق نباشند، نگران‌هایی از قبیل از دست‌دادن حسن شهرت خود در بازار کار، پرداخت جریمه و یا تسویه‌حساب را تجربه نمایند (سان و لیو، ۲۰۱۴)؛ همچنین مدیران برخلاف سهام‌داران از این امکان برخوردار نیستند که ریسک شغلی خود را متنوع نمایند (آدو و همکاران، ۲۰۲۱)، لذا ممکن است رویکرد محافظه‌کارانه در برابر ریسک‌ها اتخاذ نمایند. اتخاذ شیوه‌های حاکمیت ریسک بیش از حد محافظه‌کارانه ممکن است منجر به سرمایه‌گذاری‌های غیربهبینه شود (عدم پذیرش طرحی که می‌تواند حاشیه بازده بیشتر در مقابل پذیرش حاشیه ریسک کمتر، ایجاد کند) که این موضوع می‌تواند به‌طور بالقوه عملکرد بانک را کاهش دهد. در مطالعه‌ای مرتبط، اسلم و هارون<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) به رابطه منفی بین فعالیت کمیته ریسک و عملکرد بانک‌های اسلامی در کشورهای آسیایی دست یافتند.

#### – اندازه کمیته مدیریت ریسک

اندازه کمیته ریسک نشان‌دهنده میزان سرمایه‌گذاری هیئت‌مدیره در فرآیند نظارت بر مدیریت ریسک است. براساس نظریه وابستگی به منابع<sup>۲</sup>، کمیته‌های ریسک بزرگ اثربخشی نظارت را بهبود می‌بخشند؛ زیرا کمیته ریسک بزرگ دربرگیرنده تنوع نظرات، تخصص و فرآیند تصمیم‌گیری قوی می‌باشد (مالک و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). در طرف مقابل مطابق تئوری نمایندگی، کمیته ریسک بزرگ می‌تواند منجر به درگیری گروهی و مشکلات سواری مجانی شود که ممکن است منجر به ارتباطات ضعیف، کیفیت پایین اطلاعات و تصمیم‌گیری پراکنده و غیربهبینه شود (جنسن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳).

براساس پژوهش انجام‌شده توسط باتاگلیا و گالو (۲۰۱۵)، بین اندازه کمیته ریسک و بازده حقوق صاحبان سهام/دارایی‌ها رابطه مثبت وجود دارد؛ به‌عبات دیگر بانک‌های دارای کمیته ریسک بزرگتر از

1. Aslam & Haron
2. Resource dependency theory
3. Malik et al
4. Jensen

نظر سودآوری بهتر عمل می‌کنند. با این حال، در پژوهش مذکور شاخص کیو توبین<sup>۱</sup> برای بانک‌های با کمیته ریسک بزرگتر، کمتر برآورد گردید؛ به بیان دیگر بین اندازه کمیته و عملکرد رابطه منفی وجود دارد. همچنین، میرین و کاریانی (۲۰۱۷) در بررسی که درخصوص بانک‌های مالزی و اندونزی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اندازه کمیته ریسک رابطه مثبت با بازده دارایی‌ها دارد. با این حال بررسی‌های انجام شده توسط واسیو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) و عبید و همکاران (۲۰۲۱) رابطه معناداری بین عملکرد مالی و اندازه کمیته مدیریت ریسک شناسایی نکردند و ارین و همکاران (۲۰۲۰) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین اندازه کمیته و عملکرد رابطه منفی وجود دارد.

### مدیر ارشد ریسک

کمیته بال، مدیر ارشد ریسک را سنگ بنای ساختار سازمانی بانک‌ها می‌داند. ادبیات موجود و نتایج مطالعات انجام‌شده در این خصوص حاکی از آن است که حضور مدیر ارشد ریسک به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده قوی در چارچوب حاکمیت ریسک مطرح است (پاگاج و وار، ۲۰۱۱).

مدیر ارشد ریسک مسئول نظارت بر تمامی ریسک‌هایی است که بانک با آن مواجه می‌باشد (برانکاتو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). ادبیات مدیریت ریسک سازمانی<sup>۴</sup> نشان می‌دهد که پیاده‌سازی ERM، مستلزم به‌کارگیری قهرمان ریسک<sup>۵</sup> است. مدیر ارشد ریسک به‌عنوان قهرمان ریسک، مسئول پیاده‌سازی و هماهنگی مدیریت ریسک سازمانی است (لیبنبرگ و هوت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳)؛ از طرفی مدیریت ریسک سازمان با بهبود عملکرد مالی در ارتباط بوده و مدیریت ریسک مؤثر این ارتباط را تقویت می‌کند (مالک و همکاران، ۲۰۲۱).

نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده توسط بیزلی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۵) حاکی از آن است که حضور مدیر ارشد ریسک باعث ارتقاء بازده حقوق صاحبان سهام می‌شود و طبق تحقیقات انجام شده توسط لام<sup>۸</sup> (۲۰۱۴) و کلفنر و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) حضور مدیر ارشد ریسک بر نسبت بازه دارایی‌ها و

1. Tobins Q
2. Wasii et al
3. Brancato et al
4. Enterprise risk management (ERM)
5. risk champion
6. Liebenberg & Hoyt
7. Beasley et al
8. Lam
9. Kleffner et al

نسبت کیو توبین تأثیر مثبت دارد؛ این درحالی است که براساس نتایج پژوهش کاوزالی و گاردنال (۲۰۱۵) رابطه بین حضور مدیر ارشد ریسک و عملکرد معنادار برآورد نگردید.

### – استقلال مدیر ارشد ریسک

استقلال مدیر ارشد ریسک عاملی حیاتی در حفظ اثربخشی مدیریت ریسک است (ایبی و همکاران، ۲۰۱۲). استقلال ناکافی مدیر ارشد ریسک ممکن است ناشی از این موضوع باشد که وی دارای مسئولیت دوگانه (دو شغله)<sup>۱</sup> در سازمان است. مسئولیت دوگانه به وضعیتی اشاره دارد که در آن مدیر ارشد ریسک در سایر سمت‌های شرکت نیز به کار گرفته شده باشد. مدیر ارشد ریسک نباید هیچ‌گونه مسئولیتی در حوزه‌های عملیاتی یا درآمدزایی داشته باشد، زیرا با استقلال وی در تضاد است (کمپته بازل، ۲۰۱۰). دو مسئولیت بودن مدیر ارشد ریسک استقلال وی را به خطر می‌اندازد. به این دلیل که این امر ممکن است باعث شود مدیر ریسک دیگر بی‌طرف نباشد و برای انجام سایر وظایف خود، توجه و زمان بیشتری صرف نماید (پالسون و هلمرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

مطابق قانون دادفرانک شرکت‌های هلدینگ بانکی ایالات متحده که بیش از ۵۰ میلیارد دلار دارایی دارند ملزم به حصول اطمینان از استقلال مدیر ارشد ریسک هستند (ثیت فدرال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴).

استقلال مدیر ارشد ریسک، می‌تواند به بی‌طرفانه و محتاطانه عمل نمودن وی کمک نموده و او را قادر به اخذ تصمیمات کارآمد و بی‌طرفانه برای بهبود نظارت بر ریسک و کاهش ریسک‌پذیری زیاد بانک نماید (عبید و همکاران، ۲۰۲۱). استقلال مدیر ارشد ریسک برای هیئت‌مدیره و مدیریت ریسک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (مگی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ پروتیوتی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱).

نتایج حاصل از بررسی انجام شده توسط عمار عبید و همکاران (۲۰۲۱) روی بانک‌های آسیایی نشان می‌دهد که استقلال مدیر ارشد ریسک به‌طور مثبت و قابل توجهی بر عملکرد مالی بانک‌های خصوصی دارای اثر بوده ولی تأثیری بر عملکرد بانک‌های دولتی نداشته است.

1. dual hatting (When an employee is performing functions for multiple entities)

2. Pålsson & elmersson

3. Federal Register

4. Magee et al

5. Protiviti

### – نظارت مدیر ارشد ریسک

مدیر ارشد ریسک باید بر تمامی ریسک‌های بانک نظارت نموده و هیئت‌مدیره بانک را در جریان ریسک‌های مذکور قرار دهد (اگنس و کاپو آنو، ۲۰۲۰). همچنین، باید بتواند به‌طور معناداری در تصمیم‌گیری‌هایی که ممکن است بر ریسک بانک تأثیر بگذارند شرکت نموده و قادر باشد نظارت تخصصی خود را اعمال و هماهنگی لازم درخصوص موضوعات مدیریت ریسک را در سازمان صورت دهد (چن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹).

عضویت مدیر ارشد ریسک در کمیته‌های بانک در راستای ایفای مسئولیت نظارتی وی صورت پذیرفته و به کاهش ریسک‌پذیری در تصمیم‌گیری‌های بانک کمک می‌نماید. بررسی انجام شده توسط مورگان‌دینو و پلات<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) که برخی از بهترین شیوه‌های حاکمیت ریسک را معرفی می‌کنند بر به‌کارگیری مدیر ارشد ریسک به‌عنوان یکی از اعضای کمیته‌های اجرایی بانک تأکید دارد. همچنین، در تحقیقات انجام شده توسط لینگل و شیدی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) نیز به‌کارگیری مدیر ارشد ریسک به‌عنوان یکی از اعضای کمیته‌های اجرایی بانک، مورد تأکید قرار گرفته است.

براساس نتایج حاصل از بررسی انجام شده توسط اگنس و کاپوآنو (۲۰۲۰) عضویت مدیر ریسک در کمیته‌های اجرایی با تغییر مثبت در شاخص سودآوری همراه بوده است. یافته‌های حاصل از بررسی‌های دونگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) نیز نشان می‌دهد که حضور مدیر ارشد ریسک در تیم اجرایی به‌طور قابل توجهی ریسک‌پذیری بانک را کاهش می‌دهد.

### – جایگاه مدیر ارشد ریسک

براساس رهنمودهای هیئت ثبات مالی، مدیر ریسک باید از جایگاه و اختیار لازم برای به‌چالش کشیدن تصمیمات مدیران و خطوط تجاری برخوردار باشد (هیئت ثبات مالی، ۲۰۱۳).

مدیر ارشد ریسک باید اثربخشی خود را در سطح کل بانک از روش‌هایی همچون تمرکز بر ریسک‌های مهم، بهبود هماهنگی و ارتباطات مدیریت ریسک، یکپارچه‌سازی رویکردهای مدیریت ریسک و کاهش سطح ریسک‌پذیری افزایش دهد (عبید و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی بانک‌ها می‌توانند با ریسک‌پذیری زیاد، منفعت کسب نمایند (سان و لیو، ۲۰۱۴). لذا بانک‌هایی با ساختارهای حاکمیت

1. Chen et al

2. Mongiardino & Plath

3. Lingel & Sheedy

4. Dong et al

ریسک متمایز و قوی که در آن‌ها مدیر ارشد ریسک از موقعیت ممتازی برخوردار است، می‌توانند ریسک‌های بیشتری را برای افزایش سود و همچنین به حداکثر رساندن ثروت سهام‌داران بپذیرند (ایبی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

مطابق با پژوهش‌های انجام شده توسط اسماعیل و احمد<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) و رئوف و احمد<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) ارزیابی جایگاه مدیر ارشد ریسک<sup>۴</sup> از طریق مرجعی که مدیر ریسک به آن گزارش می‌دهد، صورت می‌پذیرد. براساس مطالعات انجام شده توسط ارین و همکاران (۲۰۲۱) و ایبی و همکاران (۲۰۱۲) بانک‌هایی که در آن‌ها مدیر ارشد ریسک مستقیماً به هیئت‌مدیره گزارش می‌دهد نه به مدیر عامل، از رقابای خود از نظر سود هر سهم و بازدهی حقوق صاحبان سهام در طول بحران مالی، بهتر عمل کردند. نتایج حاصل از تحقیقات ایلو و یرملی<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) و لینگل و شیدی (۲۰۱۲) نیز حاکی از آن است که بانک‌هایی که در آن‌ها مدیر ارشد ریسک مستقیماً به هیئت‌مدیره گزارش می‌دهد، عملکرد بهتری داشته‌اند.

#### – جبران خدمات مدیر ارشد ریسک

دستیابی به اهداف عملکردی مستلزم ارائه جبران خدمات در سطح و شکلی است که نیروی کار مطلوب را جذب، حفظ و برانگیزد (گرهارت و میلکویچ<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲). جبران خدمات نقش مهمی در توانایی شرکت برای ایجاد انگیزه در مدیران ایفا می‌کند. درک کامل ساختارهای انگیزشی برای بقای شرکت بسیار مهم است، زیرا این انگیزه‌ها هستند که تا حد زیادی تعیین می‌کنند که افراد در سازمان چگونه رفتار می‌کنند (بیکر و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸).

نحوه جبران خدمات مدیر ارشد ریسک توسط مراجعی همچون هیئت ثبات مالی و کمیته بازل مورد توجه قرار گرفته است. حقوق و دستمز مدیر ارشد ریسک می‌بایست به تصویب کمیته مدیریت ریسک رسیده (هیئت ثبات مالی، ۲۰۱۳) و میزان جبران خدمات متناسب با میزان ریسکی باشد که هر فرد در بانک متحمل می‌شود (بازل، ۲۰۱۰). براین اساس یکی از شاخص‌های ارزیابی میزان اهمیت مدیر ارشد ریسک در بانک‌ها، مقایسه میزان حقوق و دستمزد پرداختی به وی با حقوق و دستمزد پرداختی به سایر مدیران است.

1. Aebi et al
2. Ismail & Ahmed
3. Raouf & Ahmed
4. Chief risk officer
5. Ellul & Yerramilli
6. Gerhart & Milkovich
7. Baker et al

براساس نتایج حاصل از بررسی انجام شده توسط اگنيس و کاپوانو (۲۰۲۰) حقوق، مزایا و پاداش دریافتی مدیر ارشد ریسک با سودآوری بانک همبستگی مثبت دارد. ارین و همکاران (۲۰۱۸) نیز در مطالعه خود به مقامات نظارتی توصیه می‌کنند که به منظور تقویت شیوه‌های مدیریت ریسک به جبران خدمات مدیر ارشد ریسک اهمیت بیشتری بدهند. به‌طور مشابه، لینگل و شیدی (۲۰۱۲) در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که پاداش مدیر ارشد ریسک، در کیفیت نظارت بر ریسک بانک مؤثر است.

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ طبقه‌بندی بر حسب هدف، کاربردی بوده و از نظر طبقه‌بندی بر مبنای روش، توصیفی محسوب می‌گردد. تحقیق توصیفی حاضر از نوع همبستگی می‌باشد و رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را بررسی می‌کند.

### روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر برای تهیه پیشینه تحقیق، دستیابی به چارچوب نظری و شناسایی متغیرها از روش بررسی اسناد و مدارک موجود (کتابخانه‌ای) استفاده شده است. سپس، داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از صورت‌های مالی و اطلاعات دریافتی از متغیرهای حاکمیتی بانک‌ها، استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ بوده و نمونه آماری پژوهش حاضر در برگزیده یازده بانک بورسی می‌باشد.

### فرضیه‌های تحقیق

براساس بررسی‌های انجام شده توسط محقق، برای ارزیابی این موضوع که آیا حاکمیت ریسک با عملکرد بانک‌ها در ارتباط است، فرضیه اصلی زیر تدوین شده است:

**H<sub>1</sub>** بین متغیرهای حاکمیت ریسک و متغیرهای عملکردی بانک‌های بورسی رابطه آماری معنادار مثبت وجود دارد.

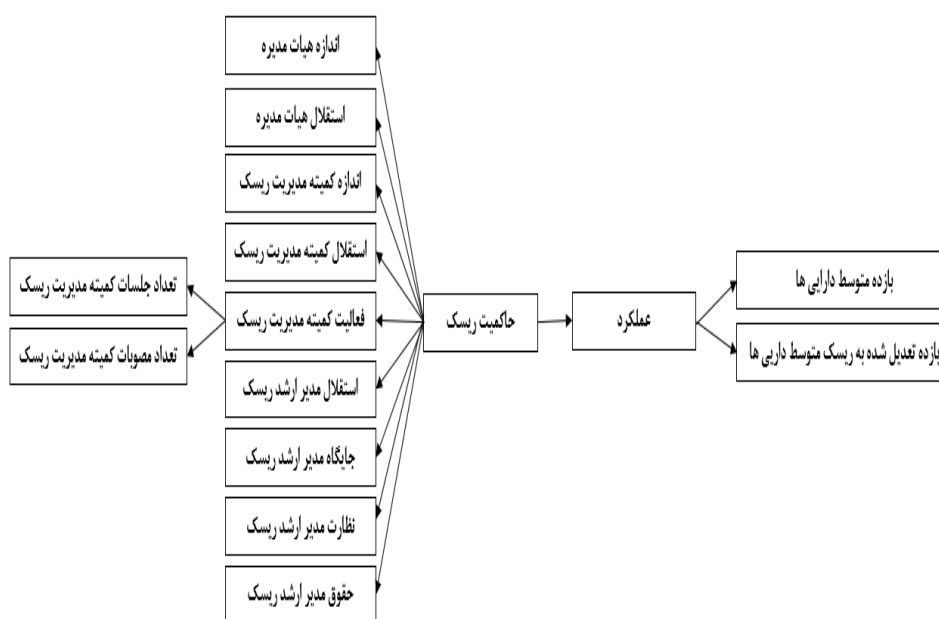
با توجه به این که عملکرد بانک‌ها در تحقیق حاضر با دو شاخص ۱. بازده متوسط دارایی‌ها و ۲. بازده تعدیل شده به ریسک متوسط دارایی‌ها<sup>۱</sup> مورد ارزیابی قرار گرفته است، برای بررسی فرضیه اصلی تحقیق، فرضیات فرعی ذیل تعریف شده است.

**H<sub>1</sub>:** بین متغیرهای حاکمیت ریسک و متغیر نسبت بازده دارایی‌ها رابطه آماری معنادار مثبت وجود دارد.

**H<sub>2</sub>:** بین متغیرهای حاکمیت ریسک و متغیر نسبت بازده دارایی‌های تعدیل شده به ریسک رابطه آماری معنادار مثبت وجود دارد.

### مدل تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل مفهومی ۱ استفاده شده است.



نمودار ۳: مدل مفهومی تحقیق

1. Risk-adjusted return on average assets (RAROAA)

براساس مدل مفهومی ارائه شده در تحقیق حاضر، دو مدل رگرسیونی برآورد گردیده و با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی به ارزیابی نوع و قدرت وابستگی متغیرهای مدل پرداخته شده است. رابطه ۱ و ۲ نشان‌دهنده این دو مدل می‌باشند.

$$\begin{aligned} ROAA_{it} = & \alpha_0 + \beta_1 \times BODS_{it} + \beta_2 \times BODI_{it} + \beta_3 \times RCS_{it} + \beta_4 \times RCI_{it} + \\ & \beta_5 \times RCM_{it} + \beta_6 \times RCA_{it} + \beta_7 \times CROI_{it} + \beta_8 \times CROS_{it} + \\ & \beta_9 \times CROC_{it} + \beta_{10} \times CROO_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$\begin{aligned} RAROAA_{it} = & \alpha_0 + \beta_1 \times BODS_{it} + \beta_2 \times BODI_{it} + \beta_3 \times RCS_{it} + \beta_4 \times RCI_{it} + \\ & \beta_5 \times RCM_{it} + \beta_6 \times RCA_{it} + \beta_7 \times CROI_{it} + \beta_8 \times CROS_{it} + \\ & \beta_9 \times CROC_{it} + \beta_{10} \times CROO_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در این معادلات:

- ROAA<sub>it</sub>: بازده دارائی‌های بانک<sup>۱</sup> نام در دوره زمانی نام
- RAROAA<sub>it</sub>: بازده تعدیل‌شده به ریسک دارائی‌های بانک<sup>۲</sup> نام در دوره زمانی نام
- BODS<sub>it</sub>: اندازه هیئت‌مدیره<sup>۳</sup> بانک نام در دوره زمانی نام
- BODI<sub>it</sub>: استقلال هیئت‌مدیره<sup>۴</sup> بانک نام در دوره زمانی نام
- RCS<sub>it</sub>: اندازه کمیته مدیریت ریسک<sup>۵</sup> بانک نام در دوره زمانی نام
- RCI<sub>it</sub>: استقلال کمیته مدیریت ریسک<sup>۶</sup> بانک نام در دوره زمانی نام
- RCM<sub>it</sub>: تعداد جلسات کمیته مدیریت ریسک<sup>۷</sup> بانک نام در دوره زمانی نام
- RCA<sub>it</sub>: تعداد مصوبات کمیته مدیریت ریسک<sup>۸</sup> بانک نام در دوره زمانی نام
- CROI<sub>it</sub>: استقلال مدیر ارشد ریسک<sup>۹</sup> بانک نام در دوره زمانی نام

1. Return on average assets
2. Risk-adjusted return on average assets
3. Board Size
4. Board Independence
5. Risk Committee Size
6. Risk Committee Independence
7. Risk Committee Meeting
8. Risk Committee Approval
9. Chief risk officer Independence

$CROS_{it}$ : جایگاه مدیر ارشد ریسک<sup>۱</sup> بانک  $\alpha_m$  در دوره زمانی  $t$   
 $CROC_{it}$ : جبران خدمات مدیر ارشد ریسک<sup>۲</sup> بانک  $\alpha_m$  در دوره زمانی  $t$   
 $CROO_{it}$ : نظارت مدیر ارشد ریسک<sup>۳</sup> بانک  $\alpha_m$  در دوره زمانی  $t$   
 $\alpha_0$ : عرض از مبدا معادلات رگرسیونی  
 $\beta_i$ : ضرایب متغیرهای توضیح دهنده در معادلات رگرسیونی  
 $\varepsilon_{it}$ : خطای معادلات رگرسیونی می باشند.

### متغیرهای تحقیق

#### متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، حاکمیت ریسک می‌باشد که برای ارزیابی آن از نه شاخص: ۱. اندازه هیئت‌مدیره، ۲. استقلال هیئت‌مدیره، ۳. اندازه کمیته مدیریت ریسک، ۴. استقلال کمیته مدیریت ریسک، ۵. فعالیت کمیته مدیریت ریسک، ۶. استقلال مدیر ارشد ریسک، ۷. جایگاه مدیر ارشد ریسک، ۸. نظارت مدیر ارشد ریسک و ۹. جبران خدمات مدیر ارشد ریسک، استفاده شده است. برای ارزیابی متغیر "استقلال مدیر ارشد ریسک"، مطابق تحقیقات انجام شده توسط عمار عبید و همکاران (۲۰۲۱) و پالسون و هلمرسون (۲۰۱۲) در صورتی که مدیر ارشد ریسک دارای دو مسئولیت (پست سازمانی) در بانک باشد، مقدار متغیر دوگانه مذکور صفر و در غیر این صورت یک خواهد بود. در پژوهش حاضر مشابه پژوهش‌های انجام شده توسط اگنیس و کاپوانو (۲۰۲۰) و لینگل و شیدی (۲۰۱۲) چنانچه حقوق و مزایای مدیر ارشد ریسک در پنج سطح اول حقوق بانک قرار بگیرد، متغیر "جبران خدمات مدیر ارشد ریسک" مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد. همچنین، درخصوص متغیر "جایگاه مدیر ارشد ریسک" مطابق با پژوهش‌های انجام شده توسط طریق اسماعیل و ایمان احمد (۲۰۲۲) و هاجر رئوف و حبیب احمد (۲۰۲۲) چنانچه مدیر ارشد ریسک به هیئت‌مدیره گزارش دهد، متغیر مذکور ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد. متغیر "نظارت مدیر ارشد ریسک" از طریق عضویت مدیر ارشد ریسک در کمیته‌های بانک مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مطابق تحقیقات لینگل و شیدی (۲۰۱۲) و اگنیس و کاپوانو (۲۰۲۰)، چنانچه مدیر ارشد ریسک عضو کمیته‌های بانک باشد متغیر مذکور ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد. برای ارزیابی

1. Chief risk officer stature
2. Chief risk officer compensation
3. Chief risk officer Oversee

متغیر "فعالیت کمیته مدیریت ریسک" از دو شاخص: ۱. تعداد جلسات کمیته مدیریت ریسک و ۲. تعداد مصوبات کمیته مدیریت ریسک، استفاده شده که معیار سنجش آن‌ها تعداد جلسات/مصوبات سالیانه کمیته می‌باشد. متغیرهای "استقلال هیئت‌مدیره" و "استقلال کمیته مدیریت ریسک" از طریق درصد اعضای مستقل ارزیابی شده و تعداد اعضای هیئت‌مدیره و کمیته مدیریت ریسک ملاک سنجش متغیرهای "اندازه هیئت‌مدیره" و "اندازه کمیته مدیریت ریسک" می‌باشد.

#### متغیر وابسته

متغیر وابسته تحقیق حاضر، عملکرد بانک‌ها می‌باشد که به منظور ارزیابی آن از معیارهای "بازده متوسط دارایی‌ها (ROAA) (حاصل تقسیم سود خالص بر میانگین دارایی‌های ابتدا و انتهای دوره)" و "بازده تعدیل‌شده به ریسک متوسط دارایی‌ها (RAROOA) (حاصل تقسیم ROAA) بر انحراف معیار (آن)" استفاده گردیده و اطلاعات آن‌ها از صورت‌های مالی بانک‌ها با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

بازده تعدیل‌شده به ریسک<sup>۱</sup>، سود سرمایه‌گذاری را نسبت به میزان ریسک سرمایه‌گذاری در یک دوره زمانی معین، نشان می‌دهد. اگر دو یا چند سرمایه‌گذاری بازده یکسانی را در یک دوره زمانی معین داشته باشند، سرمایه‌گذاری‌ای که کمترین ریسک را دارد، بازده تعدیل‌شده به ریسک مناسب‌تری خواهد داشت. بازده تعدیل‌شده به ریسک دارایی‌ها (RAROOA) میزان ریسک انجام شده در ایجاد بازده را در نظر گرفته و از تقسیم ROA به انحراف معیار ROA در طول دوره بررسی، به دست می‌آید (رادویچیچ و مارینکوویچ<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳؛ النا و متری<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳؛ روبینا پراجاپاتی و آجی شاه<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ ادوسی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵؛ کوهلر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵؛ کاووالی و گاردنال، ۲۰۱۵؛ میلانی و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸؛ گدارد و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸).

1. Risk-adjusted return
2. Radojičić & Marinković
3. Alnaa & Matey
4. Prajapati & Shah
5. Adusei
6. Köhler
7. Milani et al
8. Goddard et al

### یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ آمار توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد. نتیجه آمار توصیفی متغیرهای عملکردی نشان می‌دهد که میانگین بازده دارایی بانک‌ها برابر ۶٪- می‌باشد که این موضوع می‌تواند بیانگر وضعیت نامناسب عملکردی بانک‌ها در کشور باشد. با نگاهی به متغیرهای حاکمیت ریسک، می‌توان گفت به‌طور میانگین ۸۳٪ از بانک‌ها دارای مدیر ریسک مستقل می‌باشند. همچنین، در ۷۴٪ از بانک‌ها مدیر ارشد ریسک به هیئت‌مدیره بانک گزارش می‌دهد. در خصوص اندازه کمیته ریسک، بیشترین مقدار ده نفر می‌باشد و کمترین میزان صفر است که بیانگر این موضوع می‌باشد که در دوره مورد بررسی در بعضی از بانک‌ها کمیته ریسک وجود نداشته است. همچنین براساس نتایج بدست آمده، به‌صورت میانگین ۵۰٪ از اعضای کمیته ریسک مستقل می‌باشند. میانگین تعداد جلسات برگزار شده کمیته ریسک در سال، توسط بانک‌های مورد بررسی ۷ جلسه و میانگین تعداد مصوبات صادره ۲۸ مصوبه بوده است. حداکثر اندازه هیئت‌مدیره عدد ۶ را نشان می‌دهد و در ترکیب هیئت‌مدیره بانک‌ها حداقل ۳ عضو وجود داشته است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	نماد	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
بازده متوسط دارایی‌ها	ROAA	۵۵	-۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۱۴	-۰/۵۱	۰/۰۶
بازده تعدیل شده به ریسک دارایی‌ها	RAROA	۵۵	-۰/۷۳	۰/۰۵	۲/۶۳	-۶/۶۲	۳/۲۵
اندازه هیئت‌مدیره	BODS	۵۴	۴/۸۱	۵/۰۰	۰/۶۸	۳/۰۰	۶/۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	BODI	۵۴	۰/۵۵	۰/۶۰	۰/۱۵	۰/۰۰	۰/۸۰
اندازه کمیته ریسک	RCS	۵۴	۴/۸۷	۵/۰۰	۲/۶۳	۰/۰۰	۱۰/۰۰
استقلال کمیته ریسک	RCI	۵۴	۰/۵۱	۰/۵۷	۰/۳۴	۰/۰۰	۱/۰۰
تعداد جلسات کمیته ریسک	RCM	۵۲	۶/۶۸۷	۶/۰۰	۵/۰۲	۰/۰۰	۲۱/۰۰
تعداد مصوبات کمیته ریسک	RCA	۵۲	۲۷/۹۰	۲۸/۵۰	۲۰/۲۹	۰/۰۰	۷۶/۰۰
استقلال مدیر ارشد ریسک	CROI	۵۴	۰/۸۳	۱/۰۰	۰/۳۸	۰/۰۰	۱/۰۰
چرخش خدمات مدیر ارشد ریسک	CROC	۴۹	۰/۵۷	۱/۰۰	۰/۵۰	۰/۰۰	۱/۰۰
جایگاه مدیر ارشد ریسک	CROS	۵۳	۰/۷۴	۱/۰۰	۰/۴۵	۰/۰۰	۱/۰۰
نظارت مدیر ارشد ریسک	CROO	۵۴	۰/۷۰	۱/۰۰	۰/۴۶	۰/۰۰	۱/۰۰

مطابق جدول شماره ۲ همبستگی بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود همبستگی شدیدی بین متغیرهای مستقل تحقیق وجود ندارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی

CROO	CROS	CROC	CROI	RCA	RCM	RCI	RCS	BODI	BODS	RARAAA	ROAA	
											۱/۰۰	ROAA
										۱/۰۰	-۰/۸۹۲	RARAAA
									۱/۰۰	-۰/۳۱۵	-۰/۱۷۰	BODS
								۱/۰۰	-۰/۴۱۷	-۰/۱۳۱	-۰/۰۰۷	BODI
							۱/۰۰	-۰/۱۶۷	-۰/۳۳۱	-۰/۴۸۲	-۰/۶۴۶	RCS
						۱/۰۰	-۰/۰۱۲	-۰/۲۰۴	-۰/۰۰۰	-۰/۴۶۹	-۰/۵۴۴	RCI
					۱/۰۰	-۰/۴۷۳	-۰/۳۵۵	-۰/۱۸۲	-۰/۱۵۱	-۰/۴۷۵	-۰/۵۲۶	RCM
				۱/۰۰	-۰/۶۶۸	-۰/۴۱۴	-۰/۳۶۶	-۰/۳۸۶	-۰/۱۴۲	-۰/۴۰۲	-۰/۴۷۹	RCA
			۱/۰۰	-۰/۱۲۶	-۰/۳۳۹	-۰/۵۴۱	-۰/۱۸۹	-۰/۱۰۸	-۰/۲۱۹	-۰/۳۵۲	-۰/۵۲۲	CROI
		۱/۰۰	-۰/۰۴۸	-۰/۰۷۷	-۰/۰۷۹	-۰/۰۴۹	-۰/۴۶۹	-۰/۱۳۹	-۰/۱۹۱	-۰/۴۹۳	-۰/۵۱۳	CROC
	۱/۰۰	-۰/۰۶۵	-۰/۰۴۵	-۰/۰۰۷	-۰/۱۶۸	-۰/۱۴۹	-۰/۱۰۱	-۰/۱۲۰	-۰/۳۳۱	-۰/۰۷۵	-۰/۱۰۶	CROS
۱/۰۰	-۰/۲۸۰	-۰/۲۱۰	-۰/۲۲۶	-۰/۰۸۷	-۰/۱۳۸	-۰/۱۹۲	-۰/۲۴۶	-۰/۱۵۵	-۰/۰۶۷	-۰/۵۰۳	-۰/۴۹۵	CROO

جدول شماره ۳ نتایج حاصل از بررسی عامل تورم واریانس (VIF) برای ارزیابی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد؛ لذا مشکلی از بابت هم‌خطی متغیرهای توضیحی تحقیق وجود ندارد.

جدول ۳. آزمون هم‌خطی

TOLERANCE	VIF	نماد	متغیرها
۰/۸۰۵	۱/۲۴۳	BODS	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۷۲۸	۱/۳۷۴	BODI	استقلال هیئت‌مدیره
۰/۸۲۹	۱/۲۰۵	RCS	اندازه کمیته ریسک
۰/۵۷۷	۱/۷۳۴	RCI	استقلال کمیته ریسک
۰/۹۷۵	۱/۰۲۵	RCM	تعداد جلسات کمیته ریسک
۰/۵۴۹	۱/۸۲۲	RCA	تعداد مصوبات کمیته ریسک
۰/۹۹۹	۱/۰۰۱	CROI	استقلال مدیر ارشد ریسک
۰/۹۵۰	۱/۰۵۲	CROC	جبران خدمات مدیر ارشد ریسک
۰/۹۱۳	۱/۰۹۵	CROS	جایگاه مدیر ارشد ریسک
۰/۹۳۷	۱/۰۶۶	CROO	نظارت مدیر ارشد ریسک

جدول شماره ۴ نتایج آزمون والد تعدیل شده را جهت آزمون ناهمسانی واریانس مدل‌ها نمایش می‌دهد. از آنجاکه میزان آماره آزمون در مدل‌های اول و دوم به ترتیب برابر ۱.۴۱۲ و ۱.۰۷۴ بوده و همچنین مقدار احتمال آن‌ها به ترتیب ۰.۵۰۹۷ و ۰.۷۹۰۷ می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت مدل‌های برآورد شده فاقد ناهمسانی واریانس می‌باشند.

جدول ۴. آزمون‌های ناهمسانی واریانس

شماره مدل	نوع آزمون	آماره آزمون	عدد آماره آزمون	P-VALUE
مدل اول	والد تعدیل شده	$\chi^2$	۱/۴۱۲	۰/۵۰۹۷
مدل دوم			۱/۰۷۴	۰/۷۹۰۷

جدول شماره ۵ نتایج آزمون وولدریج را جهت آزمون خودهمبستگی مرتبه اول مدل‌ها نشان می‌دهد. نظر به این که میزان آماره آزمون وولدریج در مدل‌های اول و دوم به ترتیب برابر ۰.۰۴۶ و ۱.۶۵ بوده و مقدار احتمال آن‌ها به ترتیب ۰.۸۳۱۱ و ۰.۱۷۱۶ می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت مدل‌های برآورد شده فاقد خود همبستگی مرتبه اول می‌باشند.

جدول ۵. آزمون‌های خودهمبستگی

شماره مدل	نوع آزمون	آماره آزمون	عدد آماره آزمون	P-VALUE
مدل اول	وولدریج	F	۰/۰۴۶	۰/۸۳۱۱
مدل دوم			۱/۶۵	۰/۱۷۱۶

جدول شماره ۶ نتایج آزمون چاو را جهت انتخاب نوع داده‌های ترکیبی (تابلویی<sup>۱</sup> یا تجمیعی<sup>۲</sup>) نمایش می‌دهد. از آنجاکه میزان آماره آزمون چاو در مدل‌های اول و دوم به ترتیب برابر ۴۹.۴۹ و ۱۶.۹۸ بوده و مقدار احتمال آن ۰/۰۰۰ می‌باشد، فرض صفر (تساوی عرض از مبدأها) رد شده و می‌توان عرض از مبدأهای متفاوتی را برای هر یک از مقاطع در نظر گرفت. به عبارت دیگر به کارگیری مدل تجمیعی کاربرد نداشته و می‌بایست از مدل داده‌های تابلویی استفاده گردد.

1. Panel Data
2. Pool Data

جدول ۶. آزمون‌های چاو

شماره مدل	نوع آزمون	آماره آزمون	عدد آماره آزمون	P-VALUE
مدل اول	چاو	F	۴۹/۴۹	۰/۰۰۰
مدل دوم			۱۶/۹۸	۰/۰۰۰

جدول شماره ۷ نتایج آزمون هاسمن را برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی مدل‌های تحقیق نشان می‌دهد. با عنایت به این که میزان آماره آزمون هاسمن در مدل‌های اول و دوم به ترتیب برابر ۴۹۴.۹۵ و ۱۶۹.۸۳ بوده و همچنین مقدار احتمال آن ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که روش اثرات ثابت از توان تبیین بالایی برخوردار می‌باشد؛ بنابراین روش اثرات ثابت به‌عنوان روش مناسب برگزیده شده و برآوردها براساس مدل مذکور انجام گردیده است.

جدول ۷. آزمون‌های هاسمن

شماره مدل	نوع آزمون	آماره آزمون	عدد آماره آزمون	P-VALUE
مدل اول	هاسمن	$\chi^2$	۴۹۴/۹۵	۰/۰۰۰
مدل دوم			۱۶۹/۸۳	۰/۰۰۰

جدول شماره ۸ نتایج رگرسیون نسبت بازده دارایی‌ها را بر روی متغیرهای حاکمیت ریسک نشان می‌دهد. مقدار آماره F مدل (۱۵۸.۰۹) و مقدار احتمال آن (۰/۰۰۰) حاکی از آن است که کل رگرسیون معنادار می‌باشد. همچنین، مقدار ضریب نیکویی برآزش نشان می‌دهد که ۹۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی بازده متوسط دارایی‌ها توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بین متغیرهای "نظارت مدیر ارشد ریسک"، "جبران خدمات مدیر ارشد ریسک"، "تعداد مصوبات کمیته ریسک"، "تعداد جلسات کمیته ریسک" و بازده دارایی‌ها، رابطه آماری مثبت وجود داشته و با افزایش در میزان متغیرهای مذکور، بازده دارایی‌ها افزایش می‌یابد. در صورتی که بین متغیر "اندازه کمیته ریسک" و بازده دارایی‌ها رابطه آماری منفی وجود دارد و با افزایش در تعداد اعضای کمیته ریسک، عملکرد بانک کاهش می‌یابد. در خصوص رابطه بین متغیرهای "استقلال هیئت‌مدیره"، "اندازه هیئت‌مدیره"، "استقلال مدیر ارشد ریسک"، "جایگاه مدیر ارشد ریسک" و بازده دارایی‌ها اگر چه رابطه مثبت مشاهده شد ولی رابطه مذکور به‌لحاظ آماری معنادار نبود.

جدول ۸. رگرسیون بازده دارایی‌ها بر روی متغیرهای حاکمیت ریسک (مدل اول)

متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	مقدار T	احتمال
اندازه هیئت‌مدیره	BODS	۰/۰۱۳۷۵۱	۰/۰۰۸۲۷۰	۱/۶۶۲۸۷۱	۰/۱۰۸۳
استقلال هیئت‌مدیره	BODI	۰/۰۳۰۹۳۷	۰/۰۳۰۱۳۴	۱/۰۲۶۶۴۵	۰/۳۱۴۰
اندازه کمیته ریسک	RCS	-۰/۰۰۶۶۹۹	۰/۰۰۱۹۶۴	-۳/۴۱۱۶۱۳	۰/۰۰۲۱
استقلال کمیته ریسک	RCI	-۰/۰۲۲۶۳۳	۰/۰۱۶۶۹۴	-۱/۳۵۵۱۰۳	۰/۱۸۷۰
تعداد جلسات کمیته ریسک	RCM	۰/۰۰۳۷۱۹	۰/۰۰۱۶۶۲	۲/۲۳۷۳۶۰	۰/۰۳۴۱
تعداد مصوبات کمیته ریسک	RCA	۰/۰۰۰۵۵۴	۰/۰۰۰۲۵۸	۲/۱۵۱۰۰۹	۰/۰۴۰۹
استقلال مدیر ارشد ریسک	CROI	۰/۰۱۰۷۷۹	۰/۰۲۴۷۳۹	۰/۴۳۵۷۰۱	۰/۶۶۶۶
جبران خدمات مدیر ارشد ریسک	CROC	۰/۰۲۵۵۱۷	۰/۰۱۰۶۳۴	۲/۴۰۱۷۵۵	۰/۰۲۳۸
جایگاه مدیر ارشد ریسک	CROS	۰/۰۲۸۷۸۰	۰/۰۲۱۲۹۵	۱/۳۵۱۵۰۰	۰/۱۸۸۲
نظارت مدیر ارشد ریسک	CROO	۰/۰۶۳۰۶۲	۰/۰۲۰۳۱۱	۳/۱۰۴۷۵۱	۰/۰۰۴۶
مقدار F: ۱۵۸/۰۹۱۴		احتمال F: ۰/۰۰۰۰			
ضریب تعیین: ۰/۹۹۱۸۴۴		دوربین واتسون: ۲/۲۷۳۲۵۴			

ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۹۸۵۵۷۰

جدول شماره ۹ نتایج رگرسیون نسبت بازده تعدیل شده به ریسک دارایی‌ها را بر روی متغیرهای حاکمیت ریسک نشان می‌دهد. مقدار آماره F مدل (۳۵.۲۴) و احتمال آن (۰/۰۰۰) حاکی از آن می‌باشد که کل رگرسیون معنادار می‌باشد. همچنین، مقدار ضریب نیکویی برازش نشان می‌دهد که ۹۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی بازده متوسط دارایی‌ها توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز حاکی از وجود رابطه مثبت بین متغیرهای "نظارت مدیر ارشد ریسک"، "تعداد جلسات کمیته ریسک"، "تعداد مصوبات کمیته ریسک" و بازده تعدیل شده به ریسک دارایی‌ها می‌باشد. در مورد متغیر "اندازه کمیته ریسک" رابطه مذکور منفی بوده و در خصوص رابطه بین متغیرهای "استقلال هیئت‌مدیره"، "اندازه هیئت‌مدیره"، "استقلال مدیر ارشد ریسک"، "جایگاه مدیر ارشد ریسک" و بازده دارایی‌ها علی‌رغم وجود رابطه مثبت بین متغیرهای مستقل و وابسته، رابطه مذکور به لحاظ آماری معنادار ارزیابی نگردید.

1 F-statistic

2 Prob(F-statistic)

3 R-squared

4 Durbin-Watson stat

5 Adjusted R-squared

جدول ۹. رگرسیون بازده تعدیل‌شده به ریسک دارایی‌ها بر روی متغیرهای حاکمیت ریسک (مدل دوم)

متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	مقدار T	احتمال
اندازه هیئت‌مدیره	BODS	۰/۰۴۸۸۹۵	۰/۳۳۰۴۵۴	۰/۱۴۷۹۶۴	۰/۸۸۳۵
استقلال هیئت‌مدیره	BODI	۰/۶۳۸۸۹۷	۱/۲۰۴۱۷۱	۰/۵۳۰۵۷۰	۰/۶۰۰۲
اندازه کمیته ریسک	RCS	-۰/۲۳۶۰۱۷	۰/۰۷۸۴۶۴	-۳/۰۰۷۹۵۴	۰/۰۰۵۸
استقلال کمیته ریسک	RCI	-۱/۲۰۴۳۰۵	۰/۶۶۷۱۱۰	-۱/۸۰۵۲۵۶	۰/۰۸۲۶
تعداد جلسات کمیته ریسک	RCM	۰/۱۷۳۹۱۹	۰/۰۶۶۴۱۴	۲/۶۱۸۵۲۶	۰/۰۱۴۵
تعداد مصوبات کمیته ریسک	RCA	۰/۰۲۹۲۳۹	۰/۰۱۰۲۹۸	۲/۸۳۸۳۵۷	۰/۰۰۸۷
استقلال مدیر ارشد ریسک	CROI	۰/۹۳۰۱۲۴	۰/۹۸۸۵۹۳	۰/۹۴۰۸۵۶	۰/۳۵۵۴
جبران خدمات مدیر ارشد ریسک	CROC	۰/۵۰۱۲۷۳	۰/۴۳۴۵۵۵	۱/۱۸۰۷۰۲	۰/۳۴۸۴
جایگاه مدیر ارشد ریسک	CROS	۱/۲۱۴۹۸۲	۰/۸۵۰۹۵۵	۱/۴۲۷۷۸۶	۰/۱۶۵۳
نظارت مدیر ارشد ریسک	CROO	۲/۰۶۰۲۲۷	۰/۸۱۱۶۴۶	۲/۵۳۸۳۳۳	۰/۰۱۷۵
مقدار F: ۳۵/۲۴۵۳۹		احتمال F: ۰/۰۰۰۰			
ضریب تعیین: ۰/۹۶۴۴۲۸		دوربین واتسون: ۲/۶۱۹۱۲۳			
ضریب تعیین تعدیل‌شده: ۰/۹۳۷۰۶۵					

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای حاکمیت ریسک و نسبت بازده متوسط دارایی‌ها حاکی از آن است که اگر چه بین متغیرهای سازکار هیئت‌مدیره و نسبت بازده دارایی‌ها رابطه مثبت مشاهده گردید ولی رابطه مذکور از نظر آماری معنادار ارزیابی نگردید. بدین ترتیب که مشابه با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط گرو و همکاران (۲۰۱۱) و اگنس و کاپوانو (۲۰۲۰) در تحقیق حاضر نیز بین متغیر "استقلال هیئت‌مدیره" و بازده دارایی‌ها رابطه آماری معناداری ملاحظه نگردید. همچنین مشابه با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط شیوانی (۲۰۱۸) و باتاگلیا و گالو (۲۰۱۵)، بین متغیر "اندازه هیئت‌مدیره" و نسبت بازده متوسط دارایی‌ها، نیز رابطه آماری معنادار، مشاهده نشد. که این امر می‌تواند ناشی از ساختار مشابه هیئت‌مدیره در بانک‌های بزرگ کشور باشد. درخصوص متغیرهای مربوط به سازکار کمیته مدیریت ریسک، نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین متغیرهای "تعداد جلسات کمیته ریسک" و "تعداد مصوبات کمیته ریسک" که مبین "فعالیت کمیته مدیریت ریسک" می‌باشند و نسبت بازده دارایی‌ها رابطه آماری معنادار مثبت وجود دارد. به بیان دیگر با ارتقاء میزان فعالیت کمیته ریسک، نسبت بازده متوسط دارایی‌های بانک افزایش یافته و وجود کمیته ریسک فعال به بهبود عملکرد بانک‌ها

کمک می‌نماید. افزایش تعداد جلسات کمیته مدیریت ریسک و مصوبات صادره، می‌تواند نظارت کمیته ریسک را در پذیرش سطح مناسب ریسک افزایش داده و در نتیجه این امر، سودآوری بانک‌ها ارتقاء یابد. نتیجه حاضر با نتایج حاصل از تحقیقات صورت پذیرفته توسط ارین و آریبا (۲۰۲۱) و باتاگلیا و گالو (۲۰۱۵) مطابقت می‌نماید. همچنین براساس نتایج به‌دست‌آمده، بین متغیر "اندازه کمیته ریسک" و بازده دارایی‌ها رابطه منفی وجود دارد؛ در واقع با افزایش تعداد اعضای کمیته ریسک، عملکرد بانک‌ها کاهش می‌یابد که این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های انجام‌شده توسط ارین و همکاران (۲۰۲۰) تطبیق دارد. به‌نظر می‌رسد تعداد زیاد اعضای کمیته ریسک که در بعضی از بانک‌های مورد مطالعه به ده عضو نیز می‌رسد باعث ضعف در ارتباطات و عدم ایجاد هماهنگی لازم برای اخذ تصمیمات مناسب در زمان مقتضی شده که این امر می‌تواند رابطه منفی بین متغیرهای مذکور را تبیین نماید. همچنین بین متغیر "استقلال کمیته مدیریت ریسک" و نسبت بازده متوسط دارایی‌ها، رابطه منفی مشاهده شد که رابطه مذکور به لحاظ آماری معنادار نبود؛ نتیجه مذکور مطابق با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های انجام شده توسط فلا و همکاران (۲۰۲۰) و الامر و بنیازید (۲۰۱۸) می‌باشد.

پیرامون متغیرهای مربوط به سازکار مدیر ارشد ریسک، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای سازکار مذکور با عملکرد رابطه مثبت داشتند ولی این رابطه درخصوص بعضی از متغیرها از نظر آماری معنادار نبود؛ بدین ترتیب که بین متغیر "نظارت مدیر ارشد ریسک" و نسبت بازده متوسط دارایی‌ها رابطه آماری معنادار مثبت ملاحظه شد؛ به بیان دیگر نظارت مدیر ارشد بانک از طریق عضویت وی در کمیته‌های بانک بر عملکرد بانک داری اثر مثبت می‌باشد که این یافته مطابق با نتایج تحقیقات انجام شده توسط لینگل و شیدی (۲۰۱۲) و مورگان‌دینو و پالات (۲۰۱۰) می‌باشد. همچنین مشابه نتایج تحقیق اگنیس و کاپوآنو (۲۰۲۰) و ارین و همکاران (۲۰۱۸) بین متغیر "جبران خدمات مدیر ارشد ریسک" و متغیر نسبت بازده متوسط دارایی‌ها، رابطه مثبت مشاهده گردید؛ به عبارت دیگر میزان اهمیتی که بانک به مدیر ارشد ریسک به‌واسطه اعطای نقش نظارتی (از طریق عضویت وی در کمیته‌های بانک) و توجه به حقوق و مزایای وی می‌دهد، به ارتقاء سودآوری بانک کمک می‌نماید. درخصوص متغیرهای "جایگاه مدیر ارشد ریسک" و "استقلال مدیر ارشد ریسک" ارتباط معناداری با نسبت بازده متوسط دارایی‌ها ملاحظه نشد.

درخصوص بررسی رابطه بین متغیرهای حاکمیت ریسک و نسبت بازده تعدیل‌شده به ریسک دارایی‌ها نیز نتایج تحقیق حاکی از آن است که تمامی یافته‌های به‌دست‌آمده درخصوص رابطه بین متغیرهای حاکمیت ریسک و نسبت بازده دارایی‌ها، به‌استثنای رابطه بین متغیر "جبران خدمات مدیر

ارشد ریسک" و متغیر وابسته (بازده تعدیل شده به ریسک متوسط دارایی‌ها) که به لحاظ آماری معنادار ارزیابی نگردید، تکرار شد.

با عنایت به نتایج حاصل از تحقیق مبنی بر تأثیر سازکارهای "کمیته مدیریت ریسک" و "مدیر ارشد ریسک" بر عملکرد بانک‌ها پیشنهاد می‌گردد بانک مرکزی ج.ا.ا. و هیئت مدیره بانک‌ها به ارتقاء ساختار حاکمیت ریسک از طریق تقویت کمیته مدیریت ریسک و مدیر ارشد ریسک توجه نمایند. بانک‌ها با گسترش فعالیت کمیته مدیریت ریسک و تقویت نظام جبران خدمات و نقش نظارتی مدیر ارشد ریسک می‌توانند عملکرد مالی را افزایش دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی ج.ا.ا. اقدام به ابلاغ رهنمودها، الزامات و استانداردهایی در راستای تقویت ساختار و فعالیت سازکار مذکور نموده و بر اجرای آن در بانک‌ها نظارت نماید. ضروری است بانک‌ها و بانک مرکزی ج.ا.ا. منابع کافی برای ارزیابی اثربخشی چارچوب‌های حاکمیت ریسک اختصاص دهند. در راستای افزایش شفافیت و ارتقای فرهنگ حاکمیت ریسک، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی ج.ا.ا.، بانک‌ها را مکلف به افشای اطلاعات مربوط به سازکارهای حاکمیت ریسک نمایند. با توجه به مشاهده رابطه منفی بین متغیر تعداد اعضای کمیته ریسک و متغیرهای عملکردی و با عنایت به کثرت تعداد اعضای کمیته ریسک در برخی از بانک‌های مورد بررسی که این امر می‌تواند منجر به ارتباطات ضعیف و تصمیم‌گیری پراکنده و غیربهبوده شود، پیشنهاد می‌گردد بانک‌ها در ساختار کمیته‌های خود به موضوع بهینه‌گی تعداد اعضا توجه نموده و بانک مرکزی ج.ا.ا. نیز در رهنمودهای خود حد و سقفی برای تعداد اعضای کمیته‌های حاکمیتی ارائه نماید.

مطالعه حاضر با توجه به دانش نوپای حاکمیت ریسک در کشور، می‌تواند به جهت‌دهی تحقیقات آتی کمک نماید. در تحقیق حاضر به بررسی حاکمیت ریسک در صنعت بانکداری پرداخته شد؛ لذا تحقیقات آتی می‌توانند به بررسی حاکمیت ریسک در سایر مؤسسات مالی مانند شرکت‌های بیمه و مؤسسات غیر مالی بپردازند. همچنین، بررسی اثر حاکمیت ریسک بر روی موضوعاتی همچون مدیریت ریسک، ثبات مالی، میزان ریسک‌پذیری و ارزش شرکت می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر بانک‌های بورسی کشور مورد بررسی قرار گرفتند، در تداوم مسیر مطالعه انجام شده، پیشنهاد می‌شود بانک‌های غیربورسی نیز مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود.

## منابع و مأخذ

## انگلیسی

- Abid, A., Ali Gull, A., Hussain, N., & Nguyen, D.K. (2021). *Risk Governance and Bank Risk-taking Behavior: Evidence from Asian Banks*. Journal of International Financial Markets, Institutions & Money, 75(November), 101466.
- Adams, R. B., & Mehran, H. (2012). *Bank Board Structure and Performance: Evidence for Large Bank Holding Companies*. Journal of Financial Intermediation, 21(2), 243-267.
- Addo, K. A., Hussain, N., & Iqbal, J. (2021). *Corporate Governance and the Systemic Risk: A Test of Bundling Hypothesis*. Journal of International Money and Finance, 115, 102327.
- Adusei, M. (2015). *The Impact of Bank Size and Funding Risk on Bank Stability*. Cogent Economics & Finance, 3(1), 1-19.
- Aebi, V., Sabato, G., & Schmid, M. (2012). *Risk Management, Corporate Governance and Bank Performance in the Financial Crisis*. Journal of Banking & Finance, 36(12), 3213-3226.
- Agnese, P., & Capuano, P. (2020). *Risk Governance and Performance: Evidence from Eurozone's Large Banks*. International Journal of Financial Research, 11(5), 28-41.
- Ahmed, K., Hossain, M., & Adams, M.B. (2006). *The Effects of Board Composition and Board Size on the Informativeness of Annual Accounting Earnings, Corporate Governance*. Corporate Governance: An International Review, 14(5), 418-431.
- Aljughaiman A.A., & Salama, A. (2019). *Do Banks Effectively Manage their Risks? The Role of Risk Governance in the MENA Region*. Journal of Accounting and Public Policy. 38(5), 106680.
- Al-Janadi, Y., Abdul Rahman, R., & Omar, N.B. (2013). *Corporate Governance Mechanisms and Voluntary Disclosure in Saudi Arabia*. Research Journal of Finance and Accounting, 4 (4), 25 -35.
- Alnaa, S., & Matey, J. (2023). *Implications of Financial Leverage for Bank Profitability in Ghana*. Journal of Accounting, Business and Finance Research, 17(2), 55-63.
- Amran, N.A., & Ahmad, A.C. (2010). *Corporate Governance Mechanisms and Performance: Analysis of Malaysian Family and Non-family Controlled Companies*. Asian Journal of Accounting and Governance, 2(1), 1548-6583.

- Andres, P.D., & Vallelado, E. (2008). *Corporate Governance in Banking: The Role of the Board of Directors*. Journal of Banking and Finance, 32 (12), 2570–2580.
- Anderson, R.C., Mansi, S.A., & Reeb, D.M. (2004). *Board Characteristics, Accounting Report Integrity and the Cost of Debt*. Journal of Accounting and Economy, 37 (3), 315–342.
- Aslam, E., & Haron, R. (2020). *Does Corporate Governance Affect the Performance of Islamic Banks? New insight into Islamic countries*. Corporate Governance: The International Journal of Business in Society, 20(6), 1073–1090.
- Bai G., & Elyasiani, E. (2013). *Bank Stability and Managerial Compensation*. Journal of Banking & Finance, 37(3), 799-813.
- Baker, RE., Harris, K., & Zhang, K. (1998). *Mutations Synthetically Lethal with Cep1 Target S. Cerevisiae Kinetochore Components*. Genetics, 149(1), 73-85.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS). (2010). *Principles for Enhancing Corporate Governance – Consultative*. <http://www.bis.org/publ/bcbs168.pdf>
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS). (2014). *Basel III Leverage Ratio - framework and disclosure requirements*. <https://www.bis.org/publ/bcbs270.pdf>
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS). (2015). *Corporate Governance Principles for Banks*. Bank for international settlements (www.BIS.org), <http://www.bis.org/bcbs/publ/d328.pdf>
- Battaglia, F., & Gallo, A. (2015). *Risk Governance and Asian Bank Performance: An Empirical Investigation Over the Financial Crisis*. Emerging Markets Review, 25(December), 53–68.
- Beasley, M. S., Clune, R., & Hermanson, D. R. (2005). *Enterprise Risk Management: An Empirical Analysis of Factors Associated with the Extent of Implementation*. Journal of Accounting and Public Policy, 24(6), 521-531.
- Bhuiyan M.B.U., Cheema M. A., & Man, Y. (2020). *Risk Committee, Corporate Risk-Taking and Firm Value*. Managerial Finance, 47(3), 285-309.
- Brancato, T., Hexter, E., & Newman, K. (2006). *The Role of US Corporate Boards in Enterprise Risk Management*. The conference board research report no. R-1390-06-RR.
- Brancato, C., Tonello, M., Hexter, E., & Newman, K.R. (2011). *The Role of U.S. Corporate Boards in Enterprise Risk Management*. SSRN Electronic Journal. <https://doi.org/10.2139/ssrn.941179>
- Carlson, S., Loftus, J., & Miller, M. (2003). *The Challenge of Risk Reporting: Regulatory and Corporate Responses*. Australian Accounting Review, 13(3), 36-51.

Cavezzali, E., & Garddenal, G. (2015). *Risk Governance and Performance of the Italian Banks: An Empirical Analysis*. Working paper, University of Foscari, Venezia, Italy.

Chavarín, R. (2020). *Risk Governance, Banks Affiliated to Business Groups and Foreign Ownership*. *Risk Management*, 22(1), 1–37.

Chen, J., Cheng, C., Ku, C.Y., & Liao, W. (2019). *Are Banks Improving Risk Governance after the Financial Crisis?*. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 36(3), 540-556.

Dabari, J., & Saidin, S. (2015). *Determinants Influencing the Implementation of Enterprise Risk Management in the Nigerian Banking Sector*. *International Journal of Asian Social Science*, 5(12), 740-754.

Dong, Y., Meng, C., Firth, M., & Hou, W. (2014). *Ownership Structure and Risk-Taking: Comparative Evidence from Private and State-controlled Banks in China*. *International Review of Financial Analysis*, 36(6), 120-130.

Elamer A.A., & Benyazid, I. (2018). *The Impact of Risk Committee on Financial Performance of UK Financial Institutions*. *International Journal of Accounting and Finance*, 8(2), 161-180.

Ellul, A. (2015). *The Role of Risk Management in Corporate Governance*. *Annual Review of Financial Economics*, 7, 279–299.

Ellul, A., & Yerramilli, V. (2013). *Stronger Risk Controls, Lower Risk: Evidence from U. S. Bank Holding Companies*. *The Journal of Finance*, 68(5), 1757–1803.

Erin, O., Adegboye, A., & Bamigboye, O.A. (2021). *Corporate Governance and Sustainability Reporting Quality: Evidence from Nigeria*. *Sustainability Accounting Management and Policy Journal*, 13(3), 680-707.

Erin, O., Bamigboye, O., & Arumona, J. (2020). *Risk Governance and Financial Performance: An Empirical Analysis*. *Business: Theory and Practice*, 21(2), 758-768.

Erin, O., Osariemen, A., Olojede, P., Ajetunmobi, O., & Usman, T. (2018). *Does Risk Governance Impact Bank Performance? Evidence from the Nigerian Banking Sector*. *Academy Accounting and Finance Journal*, 4(1), 1-14.

Erin, O., & Aribaba, F. (2021). *Risk Governance and Firm Value: Exploring the Hierarchical Regression Method*. *Afro-Asian Journal of Finance and Accounting*, 11(1), 104-130.

Erkens, D.H., Hung, M., & Matos, P. (2012). *Corporate Governance in the 2007-2008 Financial Crisis: Evidence from Financial Institutions Worldwide*. *Journal of Corporate Finance*, 18(2), 389-411.

Fali, I.M., Philomena, O.N., Ibrahim, Y., & Amos, J. (2020). *Risk Management Committee Size, Independence, Expertise and Financial Performance of Listed Insurance Firms in Nigeria*. International Journal of Research and Innovation in Social Science, 4(5), 313–319.

Fama, E., & Jensen, M.C. (1983). *Separation of Ownership and Control*. The Journal of Law and Economics, 26(2), 301-325.

Farrell, M., & Gallagher, R. (2015). *The Valuation Implications of Enterprise Risk management maturity*. Journal of Risk Insurance, 82 (3), 625–657.

Federal Register. (2014). *Enhanced Prudential Standards for BHCs and FBOs—Final Rule*. 79(59). Retrieved from <https://www.gpo.gov/fdsys/pkg/FR-2014-03-27/pdf/2014-05699.pdf>.

Florackis, C., & Ozkan, A. (2004). *Agency Costs and Corporate Governance Mechanisms: Evidence for UK Firms*. International Journal of Managerial Finance, 4(1), 37-59.

Fleischer, A., Hazard, G., & Klipper, M. (1988). *Board Games: The Changing Shape of Corporate Power*. 44(2), 629-632.

Francis, W. B., & Osborne, M. (2012). *Capital Requirements and Bank Behavior in the UK: Are There Lessons for International Capital Standards?*. Journal of Banking & Finance, 36(3), 803–816.

FSB. (2013). *Thematic Review on Risk Governance Peer Review Report*. Peer Review Report. [https://www.fsb.org/uploads/r\\_130212.pdf](https://www.fsb.org/uploads/r_130212.pdf)

Gerhart, B., & Milkovich, G.T. (1992). *Employee Compensation: Research and Practice*. In M.D. Dunnette & L.M. Hough (Eds.), Handbook of industrial and organizational psychology, 2nd ed, 481–569. Consulting Psychologists Press.

Goddard, J., Mckillop, D., & Wilson, J.O. (2008). *The Diversification and Financial Performance of US Credit Unions*. Journal of Banking & Finance, 32(9), 1836-1849.

Gordon, L., Loeb, M., & Tseng, C. (2009). *Enterprise Risk Management and Firm Performance: A Contingency Perspective*. Journal of Accounting and Public Policy, 28(4), 301-327.

Grove, H., Patelli, L., Victoravich, L., & Xu, P. (2011). *Corporate Governance and Performance in the Wake of the Financial Crisis: Evidence from US Commercial Banks*. Corporate Governance: An International Review, 19(5), 418–436.

Hines, C.S., Peters, G.F. (2015). *Voluntary Risk Management Committee Formation: Determinants and Short-term Outcomes*. Journal of Accounting and Public Policy 34 (3), 267–290.

- Ingley, C., & Walt, N.V. (2008). *Risk Management and Board Effectiveness*. International Studies of Management & Organization, 38(3), 43-70.
- Ismail, T.H., & Ahmed, E.A. (2022). *Impact of Risk Governance on Performance and Capital Requirements: Evidence from Egyptian Banks*. Corporate Ownership & Control, 19(2), 179-193.
- Jensen, M.C. (1993). *The Modern Industrial Revolution, Exit and the Failure of Internal Control Systems*. Journal of Finance, 48 (3), 831-880.
- Kakanda, M., Salim, B., & Chandren, S. (2017). *Corporate Governance, Risk Management Disclosure and Firm Performance: A Theoretical and Empirical Review Perspective*. Asian Economic and Financial Review, 7(9), 836-845.
- Karyani, E., Dewo, S.A., Santoso, V., & Frensidy, B. (2020). *Risk Governance and Bank Profitability in ASEAN-5: A Comparative and Empirical Study*. International Journal of Emerging Markets, Emerald Group Publishing Limited, 15(5), 949-969.
- Khanchel, I. (2007). *Corporate Governance: Measurement and Determinant Analysis*. Managerial Auditing Journal, 22(8), 740-760.
- Kleffner, A., Lee, R., & McGannon, B. (2003). *The Effect of Corporate Governance on the Use of Enterprise Risk Management: Evidence from Canada*. Risk Management and Insurance Review, 6(1), 53-73.
- Klein, L.R., & Nakamura, M. (1962). *Singularity in the Equation Systems of Econometrics: Some Aspects of the Problem of Multicollinearity*. International Economic Review, 3(3), 274-299.
- Kluckhohn, F.R., & Strodtbeck, F.L. (1961). *Variations in Value Orientation*. Variations in value orientations. Row, Peterson.
- Köhler, M. (2015). *Which Banks are More Risky? The Impact of Business Models on Bank Stability*. Journal of Financial Stability, 16, 195-212.
- KPMG. (2015). *Enterprise Risk Management (ERM)-An Emerging Model for Building Shareholder Value*. Retrieved from [http: www.kpmg.com](http://www.kpmg.com).
- KPMG. (2016). *Risk Governance: A Benchmark Analysis of Systemically Important Banks*. Retrieved from [http: www.kpmg.com](http://www.kpmg.com).
- Lam, J. (2014). *Enterprise Risk Management: From Incentives to Controls*. John Wiley & Sons, USA.
- Larmou, S., & Vafeas, N. (2010). *The Relation between Board Size and Firm Performance in Firms with a History of Poor Performance*. Journal of Management and Governance, 14(1), 61-85.

Liebenberg, A.P., & Hoyt, R.E. (2003). *The Determinants of Enterprise Risk Management: Evidence from the Appointment of Chief risk Officers*. Risk Manage. Insurance Rev, 6(1), 37–52.

Lingel, A., & Sheedy, E. (2012). *The Influence of Risk Governance on Risk Outcomes*. Macquarie Applied Finance Centre, 37(November), 1-53.

Lundqvist, S.A. (2015). *Why Firms Implement Risk Governance—Stepping beyond Traditional Risk Management to Enterprise Risk Management*. Journal of Accounting and Public Policy, 34 (5), 441–466.

Macey, J., & O'Hara, M. (2016). *Bank Corporate Governance: A Proposal for the Post-crisis World*. FRBNY Economic Policy Review, 22(1), 85–105.

Magee, S., Schilling, C., & Sheedy, E. (2019). *Risk Governance in the Insurance Sector—Determinants and Consequences in an International Sample*. Journal of Risk and Insurance, 86 (2), 381–413.

Malik, M.F., Nowland, J., & Buckby, S. (2021). *Voluntary Adoption of Board Risk Committees and Financial Constraints Risk*. International Review of Financial Analysis, 73(January), 101611.

McKnight, P.J., & Mira, S. (2003). *Corporate Governance Mechanisms, Agency Costs and Firm Performance in UK Firms*. International Journal of Managerial Finance 4(January), 37-59.

McShane, M.K., Nair, A., & Rustambekov, E. (2011). *Does Enterprise Risk Management Increase Firm Value?*. Journal of Accounting Auditing & Finance, 26(4), 641–658.

Meirine, M. & Karyani, E. (2017). *Risk Governance and Performance: Research On Indonesian And Malaysian Banking*. The indonesian journal of accounting research, 20(2), 283-308.

Milani, C., Chiorazzo, V., & Salvini, F. (2008). *Income Diversification and Bank Performance: Evidence from Italian Banks*. Journal of Financial Services Research, 33(3), 181-203.

Mongiardino, A., & Plath, C. (2010). *Risk Governance at Large Banks: Have any Lessons been Learned?*. Journal of Risk Management in Financial Institutions, 3(2), 116–123.

Naceur, S.B., & Kandil, M. (2009). *The Impact of Capital Requirements on Banks' Cost of Intermediation and Performance: The Case of Egypt*. Journal of Economics and Business, 61(1), 70–89.

Nakano, M., & Nguyen, P. (2012). *Board Size and Corporate Risk Taking: Further Evidence from Japan*. Corporate Governance: An International Review, 20, 369–387.

Nguimfack, R.D., & Wamba, H. (2022). *An Analysis of the Effects of the Board of Directors on the Financial Performance of Cameroonian SMEs during COVID-1*, International Journal of Economics, Commerce and Management, 1(9), 44-65.

Nguyen Q.K. (2022) *Determinants of Bank Risk Governance Structure: A CROSS-Country Analysis*. Determinants of bank risk governance structure: a CROSS-country analysis, 60(April), 101575.

Nguyen, V.C. & Huynh, T.N.H. (2023). *Characteristics of the Board of Directors and Corporate Financial Performance: Empirical Evidence*. Economics, 11(2), 1-15.

Nocco, B., & Stulz, R. (2006). *Enterprise Risk Management: Theory and Practice*. Journal of Applied Corporate Finance, 18(4), 8-20.

Pagach, D., & Warr, R. (2011). *The Characteristics of Firms that Hire Chief Risk Officers*. Journal of Risk and Insurance, 78(1), 185–211.

Pålsson, P., & Elmersson, M. (2012). *The Risk Management Function in the Financial Sector-How Independent are Chief Risk Officers in Swedish Banks?*. Lund university, School of Economics and Management, Department of Business Administration.

Pathan, S. (2009). *Strong Boards, CEO Power and Bank Risk-taking*. Journal of Banking & Finance, 33(7), 1340-1350.

Prajapati, R., & Shah, A. (2019). *Effect of Income Diversification on Risk-Adjusted Profitability of Commercial and Development Banks in Nepal*. Journal of Business and Social Sciences Research, 4(2), 35-51.

Protiviti. (2011). *Should the Board have a Separate Risk Committee? Board Perspectives: Risk Oversight*. <https://www.protiviti.com/sites/default/files/2023-02/board-perspectives-risk-oversight-issue24-separate-risk-committee-protiviti.pdf>

Quen, T., Zeghal, D., & Maingot, M. (2012). *Enterprise Risk Management and Firm Performance*. Procedia – Social and Behavioural Sciences, 62(2), 263-267.

Radojčić, J., & Srđan Marinković, S. (2023). *Impact of Income and Assets Diversification on Bank Performance in Serbia*. Economic Themes, 61(2), 197-214.

Raouf, H., & Ahmed, H. (2022). *Risk Governance and Financial Stability: A Comparative Study of Conventional and Islamic Banks in the GCC*. Global Finance Journal, 52 (May), 10059.

Shivaani M.V. (2018). *Risk Governance Structure and Firm Performance: An (Exploratory) Empirical Study in Indian Context*. Financial Statistical Journal, 1(2), 1-12.

Srivastav, A., & Hagendorff, J. (2016). *Corporate Governance and Bank Risk-taking*. Corp. Governance Int. Rev, 24 (3), 334–345.

Stulz, R. M. (2016). *Risk Management, Governance, Culture and Risk Taking in Banks*. *Economic Policy Review*, 22(1), 43–60.

Sun J., & Liu G. (2014) *Audit Committees' Oversight of Bank Risk-taking*. *Journal of Banking & Finance*, 40(March), 376-387.

Wasiu, A.L., Aderemi, O. A., Titilope, E.O., & Mukaila, O.O. (2023). *Risk Management Committees' Characteristics and the Financial Performance of Deposit Money Banks in Nigeria*. *Journal of Accounting and Management*, 12(1), 109–120.

Yeh, Y., Chung, H., & Liu, C. (2011). *Committee Independence and Financial Institution Performance during the 2007– 08 Credit Crunch: Evidence from a Multi-Country Study*. *Corporate Governance: An International Review*, 19(5), 437–458.

Yoshikawa, T., & Phan, P.H. (2003). *The Performance Implications of Ownership-driven Governance Reform*. *European Management Journal*, Elsevier, 21(6), 698-706.